

نقد و ارزیابی کتاب ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه و نوظهور: از تحول ذهنیت تا ترویج کارآفرینی و مشارکت خارج نشینان

فرزانه میرشاه ولایتی*

چکیده

کتاب ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه و نوظهور، دربرگیرنده منظرهایی جدید است در زمینه این سوال که چگونه می‌توان با کمک ظرفیت‌سازی در این کشورها، احتمال موفقیت را بالا برد. این کتاب با اتکا به درس‌آموخته‌های حاصل از شش دهه تحقیق و تجربه ظرفیت‌سازی موفق، به تعریف شرایط لازم برای موفقیت در این امر پرداخته و معتقد است تغییرات بنیادی در ذهنیت جنبه‌ای بسیار مهم برای کشورهای در حال توسعه است. در عین حال این کتاب، موضوع ظرفیت‌سازی را در ارتباط با کارآفرینی (و به‌طور خاص کارآفرینی زنان)، بازگشت مهاجران، مبارزه جدی با فساد مورد مذاقه قرار داده و این‌ها را پیش‌رانه‌هایی اساسی برای توسعه پایدار در این کشورها برمی‌شمارد. این کتاب تالیف جمعی از پیشگامان تحقیق و دارای تجربه در ظرفیت‌سازی در این کشورها بوده و تمامی نویسندگان تجربه‌های قابل توجهی در این حوزه در کشورهای آفریقایی، آسیایی، منطقه خاور میانه، جزایر کارائیب، آمریکای شمالی و اروپا دارند.

کلیدواژه‌ها: توسعه- کارآفرینی-ظرفیت‌سازی- توسعه پایدار

۱. معرفی و توصیف اثر

کتاب با اشاره به مطالعات گسترده دهه ۱۹۹۰ کنگره آمریکا و بانک جهانی، با این استدلال که بررسی‌ها نشان داده است به رغم سرمایه‌گذاری‌های بالا در طرح‌های توسعه ظرفیت، بسیاری از کشورهای فقیر هنوز نتوانسته‌اند از پس این مهم برآیند، چه این کشورها فاقد کارآفرینان هوشمندی بودند که ضمن خلق ثروت برای خود، به ظرفیت‌سازی در کشور نیز کمک کنند. چندلر، مورخ بزرگ معاصر معتقد است این نه دست نامرئی بازار که دست مشهود مدیران کارآفرین بود که اقتصاد آمریکا را ساخت و از این رو تحریک توسعه اقتصادی مستلزم ساختارهای کارآفرینی خلاق است. در واقع، این کتاب به ارایه راه‌حلهایی برای حل مساله ظرفیت‌سازی می‌پردازد.

در واقع، سوالی که این کتاب به دنبال پاسخ آن است را چنین می‌توان بیان کرد: «هرچند به زعم بسیاری از خبرگان، بدون ظرفیت‌سازی به‌سختی می‌توان توسعه اجتماعی و اقتصادی را ارتقا داد، چه در همین راستا، طی چند دهه اخیر، نهادهای بین‌المللی مبالغه‌ناگفتی را صرف ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه آفریقایی نموده‌اند؛ اما در عمل و به گواه شواهد متعدد هنوز فقر در این کشورها می‌تازد. پس دلیل این عدم توفیق در ظرفیت‌سازی چیست؟ مشکل کار کجاست؟»

در این کتاب، ویراستار با کمک تعدادی صاحب نظر متعدد و صاحب نظر و تجربه در مناطق مختلف جهان، از جمله، آفریقا، آسیا، حوزه کاراییب و ... به بررسی مساله‌ای به ظاهر ساده اما هنوز به‌خوبی درک نشده ظرفیت‌سازی به عنوان مبنای اصلی توسعه اقتصادی می‌پردازد. در واقع، پیش‌فرض اصلی این کتاب را می‌توان چنین بیان کرد: «هرچند اقتصاددانان به‌خوبی دریافته‌اند که توسعه اقتصادی مستلزم آموزش، زیرساختار، نهاد سازی، بهره‌وری و نوآوری است، اما درک این نکته بسیار ضروری است که این پیش شرطها خود مستلزم ظرفیت‌سازی هستند.»

۲. ارزیابی شکلی اثر

کتاب با اشاره به مطالعات گسترده دهه ۱۹۹۰ کنگره آمریکا و بانک جهانی، با این استدلال که بررسی‌ها نشان داده است به رغم سرمایه‌گذاری‌های بالا در طرح‌های توسعه ظرفیت، بسیاری

۲۹ نقد و ارزیابی کتاب ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه و نوظهور: از تحول ذهنیت تا ترویج کارآفرینی و مشارکت خارج نشینان

از کشورهای فقیر هنوز نتوانسته‌اند از پس این مهم برآیند، چه این کشورها فاقد کارآفرینان هوشمندی بودند که ضمن خلق ثروت برای خود، به ظرفیت‌سازی در کشور نیز کمک کنند. چندلر، مورخ بزرگ معاصر معتقد است این نه دست نامرئی بازار که دست مشهود مدیران کارآفرین بود که اقتصاد آمریکا را ساخت و از این رو تحریک توسعه اقتصادی مستلزم ساختارهای کارآفرینی خلاق است. در واقع، این کتاب به ارایه راه‌حلهایی برای حل مساله ظرفیت‌سازی می‌پردازد.

در واقع، سوالی که این کتاب به دنبال پاسخ آن است را چنین می‌توان بیان کرد: «هرچند به زعم بسیاری از خبرگان، بدون ظرفیت‌سازی به‌سختی می‌توان توسعه اجتماعی و اقتصادی را ارتقا داد، چه در همین راستا، طی چند دهه اخیر، نهادهای بین‌المللی مبالغ هنگفتی را صرف ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه آفریقایی نموده‌اند؛ اما در عمل و به گواه شواهد متعدد هنوز فقر در این کشورها می‌تازد. پس دلیل این عدم توفیق در ظرفیت‌سازی چیست؟ مشکل کار کجاست؟»

در این کتاب، ویراستار با کمک تعدادی صاحب نظر متعهد و صاحب نظر و تجربه در مناطق مختلف جهان، از جمله، آفریقا، آسیا، حوزه کاراییب و ... به بررسی مساله‌ای به ظاهر ساده اما هنوز به‌خوبی درک نشده ظرفیت‌سازی به عنوان مبنای اصلی توسعه اقتصادی می‌پردازد. در واقع، پیش‌فرض اصلی این کتاب را می‌توان چنین بیان کرد: «هرچند اقتصاددانان به‌خوبی دریافته‌اند که توسعه اقتصادی مستلزم آموزش، زیرساختار، نهاد سازی، بهره‌وری و نوآوری است، اما درک این نکته بسیار ضروری است که این پیش شرطها خود مستلزم ظرفیت‌سازی هستند.»

۳. ارزیابی محتوایی اثر

به‌زعم بسیاری از خبرگان توسعه، احتمال تحقق این امر بدون ظرفیت‌سازی، تقریباً بسیار ضعیف است و به همین دلیل بسیاری از مدل‌های توسعه که در کشورهای نوظهور و در حال توسعه پیاده‌سازی شده‌اند، اهمیت قابل توجهی به ظرفیت‌سازی داده‌اند. به‌طور مشابه، نهادهای بین‌المللی توسعه نیز منابع زیادی را صرف این بحث کرده‌اند. به‌طور مثال در آفریقا، بنیاد ظرفیت‌سازی آفریقا با حمایت بانک جهانی در سال ۱۹۹۱، تلاش‌های قابل توجه و منابع فراوانی را به این امر اختصاص داده و برخی از مهم‌ترین نهادهای بین‌المللی مثل بانک توسعه

آفریقا و برنامه توسعه ملل متحد (یو.ان.دی.پی) برای چند دهه به‌طور جدی و مستقیم درگیر ظرفیت‌سازی در آفریقا هستند.

براساس برآورد کارشناسان توسعه، از دهه ۱۹۶۰ تا کنون، بالغ بر یک تریلیون دلار، صرف فقرزدایی از کشورهای درحال توسعه شده است. براساس تحقیقات صورت گرفته در بنیاد توسعه آفریقا، عجالتاً در آفریقا، یکی از حلقه‌های واسط کلیدی مغفول مانده در این بین ظرفیت و علی‌الخصوص ظرفیت اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه است.

هرچند تقریباً همه تلاش‌ها برای ظرفیت‌سازی در کشورهای درحال توسعه محتوم به شکست نبوده است، بلکه ماحصل تلاش برای ظرفیت‌سازی در این کشورها مطابق انتظارات نبوده است. بنابراین، سوالی که مطرح می‌شود این است که کدام چالش‌ها توضیح دهنده این سوال است که چرا تلاش برای ظرفیت‌سازی در کشورهای نوظهور به دستاوردهایی محدود انجامیده است. با توجه به تجربه ظرفیت‌سازی طی چند دهه اخیر چه اصلاحاتی می‌توان انجام داد؟

در واقع، هدف این کتاب، کشف راه‌هایی جدید برای نگاه به ظرفیت‌سازی با احتمال موفقیت بیشتر در کشورهای درحال توسعه است که در چهار بخش، مسیرهای مختلفی را مورد بررسی قرار می‌دهد که به‌نظر می‌رسد تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

به این ترتیب کتاب به جستجوی حوزه‌های مهم اما نامکشوف در بحث ظرفیت‌سازی است؛ موضوعاتی همچون ایجاد تحول در ذهنیت جامعه، کارآفرینی و نیز سرمایه‌گذاری خارج نشینان در وطن! بر این اساس، کتاب در چهار بخش و یازده فصل تنظیم شده است. در بخش نخست کتاب با عنوان «ظرفیت‌سازی برای دگرگونی اقتصاد: پر کردن خلاء موجود»، در سه فصل به بررسی نحوه کاهش خلاء ظرفیتی در راستای تقویت تحول اقتصادی پایدار پرداخته است. در بخش دوم با عنوان «ظرفیت‌سازی در کارآفرینی برای توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه و نوظهور» بر ظرفیت‌سازی در کارآفرینی و فعالیت صادراتی شرکت‌های کوچک و متوسط متمرکز شده است. بخش سوم با عنوان «ظرفیت‌سازی و بازگشت مهاجران به کشورهای درحال توسعه و نوظهور» موضوع مهم مشارکت خارج نشینان در ظرفیت‌سازی داخل سرزمین مادری را بررسی نموده و سرانجام در آخرین بخش، با عنوان «ظرفیت‌سازی و پویانمایی محیط کسب و کار در کشورهای درحال توسعه و نوظهور: از مشوق‌های مالیاتی

۳۱ نقد و ارزیابی کتاب ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه و نوظهور: از تحول ذهنیت تا ترویج کارآفرینی و مشارکت خارج نشینان

تا راهبردهایی برای مبارزه با فساد اداری» روی بهبود فضای کسب و کار در این کشورها متمرکز است.

ظرفیت‌سازی تعاریف مختلفی دارد، اما در این کتاب، تعریف مورد استفاده، تعریفی است که سازمانی متخصص توسعه ظرفیت در اتحادیه آفریقا یعنی «بنیاد ظرفیت‌سازی آفریقا» ارائه کرده است. براساس این تعریف، اگر ظرفیت را شامل توانایی فرد، سازمان و جامعه به‌عنوان کل واحد برای مدیریت موفق امور خود بپذیریم، ظرفیت‌سازی یعنی فرایندی که طی آن فرد، سازمان و جامعه به رهاسازی، تقویت، خلق و حفظ ظرفیت در طول زمان می‌پردازد.

بخش اول به بررسی چگونگی کاهش خلاء ظرفیتی با هدف ارتقای تحول اقتصادی پایدار می‌پردازد. در واقع، کتاب، ذهنیت را مساله اصلی و مانع عمده توسعه دانسته و معتقد است در بحث ظرفیت‌سازی این موضوع مغفول مانده اما عاملی کلیدی در رقم زدن شکست و موفقیت است. حتی نویسندگان این کتاب، ضعف نهادها، بی‌ثباتی سیاسی و عدم اطمینان محیطی در کشورهای آفریقایی را به همین بحث ربط می‌دهند. هدف این بخش از کتاب، جلب توجه سیاست‌گذاران به اهمیت موضوع ذهنیت و از آن مهم‌تر، شناسایی راهبردهایی برای تغییر چنین ذهنیتی در راستای تسهیل ظرفیت‌سازی کارآمد است. به این ترتیب، ابتدا به حقایق مهم دال بر ضرورت تحول ذهنیت در آفریقا استناد کرده و بعد با استفاده از نظریه‌هایی در این خصوص به توضیح مسایل فعلی توسعه مرتبط با ذهنیت در این منطقه و نیز تبیین تاثیر تحول ذهنیت در آفریقا پرداخته و در نهایت بخش را با ارائه راهبردهایی برای تغییر ذهنیت پایان می‌دهد.

فصل اول این بخش، به‌طور خاص با اتکا به تجربه شش دهه اخیر ظرفیت‌سازی در این کشورها، به این نتیجه می‌رسد که کشورهای در حال توسعه باید به شکل جدی به تغییر ذهنیت پرداخته، چه این پیش شرط اصلی ظرفیت‌سازی و توسعه پایدار است. در این فصل، برای تحقق این مهم، دو راهبرد مهم را پیشنهاد می‌کند:

۱. ایجاد و پشتیبانی از نوعی رهبری تحول‌گرا

۲. تقویت ظرفیت‌های برای اجرای طرح‌های پژوهشی معطوف به تغییر ذهنیت و

ظرفیت‌سازی

فصل دوم به بررسی روش‌های خوش‌آتیه مدیریت طرح‌های ظرفیت‌سازی می‌پردازد. هدف این فصل توضیح این موضوع است که چگونه می‌توان ظرفیت‌سازی را در کشورهای در حال

توسعه محقق ساخت و برای این کار، چهار طرح اجرا شده در کشورهای غنا، اندونزی، سری لانکا و ویتنام در رابطه با ظرفیت‌سازی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که شرایط ساختاری، نهادی و مدیریتی عواملی تاثیرگذار هستند. به علاوه، شرایط بسیار مهم‌تری شامل تعهد ذی‌نفعان، همکاری و تطبیق‌پذیری در این عرصه بسیار مهم هستند. در سومین فصل، چالش‌هایی را مورد مطالعه قرار می‌دهد که به نوعی می‌توانند توضیح دهنده دلیل خلاء ظرفیتی در کشورهای آفریقایی و نیز اولویت‌های پژوهشی برای کاهش این خلاءهاست. این فصل به ارائه پیشنهاداتی می‌انجامد که برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه قابل کاربرد است. در این فصل، با اشاره به آمار و ارقام، لازمه توسعه پایدار را تمرکز بر تحول در حوزه اجتماعی-اقتصادی می‌داند.

بخش دوم کتاب بر ظرفیت‌سازی در کارآفرینی و صادرات شرکت‌های کوچک و متوسط متمرکز است. در اولین فصل این بخش، چگونگی ارتقای کارآفرینی برای تقویت توسعه پایدار در کشورهای آفریقایی مورد بحث قرار می‌گیرد. در این فصل، به صورت مفهومی، چگونگی و چرایی اهمیت تقویت کارآفرینی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و ترویج فرهنگ کارآفرینی در کشور، به عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌ران‌ها برای تسریع توسعه اقتصادی معرفی می‌شود. این فصل با تمرکز بر کشورهای آفریقایی، ظرفیت‌های لازم برای تقویت کارآفرینی اجتماعی به عنوان ابزاری اثربخش در تسریع رشد و توسعه و کاهش فقر را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این بین، مهم‌ترین فرایندها، ایجاد فرهنگ کارآفرینی است. کارآفرین کردن جوانان تنها از طریق اجرای برنامه‌های توانمندساز در این حوزه امکان‌پذیر است.

در فصل بعد، روی ظرفیت‌سازی برای کارآفرینی زنان متمرکز است. در این فصل، مورد مطالعاتی، زنان مالاگایی است. نویسندگان با این ادعا که این زنان طی تاریخ همواره پا به پای مردان، در تلاش برای کسب درآمد بوده‌اند و بیشتر آن‌ها کسب و کاری برای خود دارد، فقدان حمایت‌های دولتی از این سرمایه مهم را موجب دلسری آنان دانسته و در ادامه، تلاش برای پشتیبانی و حمایت از آنان را موجب ارتقا و افزایش مضاعف کارآفرینی می‌داند. این فصل به تحلیل ظرفیت‌سازی در کارآفرینی زنان پرداخته و سه محور اصلی این مهم را در راهبردهای مالی، شبکه‌سازی اجتماعی و آموزش خلاصه می‌کند.

۳۳ نقد و ارزیابی کتاب ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه و نوظهور: از تحول ذهنیت تا ترویج کارآفرینی و مشارکت خارج‌نشینان

فصل بعدی در ادامه چالش‌های شرکت‌های کوچک و متوسط فعال در صادرات انبه، بررسی و راهبردهایی برای کمک به کاهش خلاء موجود و بهبود عملکرد صادراتی این شرکت‌ها ارائه می‌شود. در این فصل، صنعت صادرات انبه در غرب آفریقا مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسندگان معتقدند به‌رغم پتانسیل بالای محصول انبه در این منطقه، آن‌ها نتوانسته‌اند بخوبی از این فرصت استفاده کنند. براساس آمار، سهم زیادی از انبه‌ها در مزارع خراب شده و مقدار زیادی نیز مرجوع می‌شود. مشکل این موضوع را باید از زاویه زنجیره ارزش بررسی کرد. مصداق ظرفیت‌سازی در این صنعت را نویسندگان در آموزش کشاورزان و از آن مهم‌تر صادرکنندگان در جهت رعایت استانداردهای مورد نظر بازار هدف و به‌طور خاص، بازار اتحادیه اروپا می‌دانند.

بخش سوم به بررسی مشارکت خارج‌نشینان در ظرفیت‌سازی داخل وطن پرداخته و در اولین فصل این بخش، مشارکت برجسته خارج‌نشینان کشورهای حوزه کاراییب در ظرفیت‌سازی برای وطن مادری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در راستای تلاش برای یافتن راه‌های نوین رشد و توسعه، بسیاری از کشورهای در حال توسعه چشم به خارج‌نشینان خود دوخته‌اند. در این فصل، راهکارهای مشارکت خارج‌نشینان کشورهای حوزه کاراییب و آسیای مرکزی را مورد تحلیل قرار داده و به این سرمایه به چشم منبعی برای تزریق ارز، مهارت و دانش نگریسته که به تقویت رشد می‌انجامد.

البته در فصل بعد هم، تبعات مثبت و منفی پرداخت‌های مالی خارج‌نشینان نیالی در ظرفیت‌سازی این کشور زیر ذره‌بین گذاشته می‌شود. براساس آمار، در سال ۲۰۱۵ حدود ۲۵۰ میلیون نفر در خارج از وطن مادری خود زندگی می‌کنند که سهمی معادل ۳.۴٪ از جمعیت جهان را شامل می‌شود و در این سال حدود ۴۳۲ میلیارد دلار به کشور خود فرستاده‌اند. سهم کشور نیال از این آمار، ۳ میلیون نفر و چیزی حدود ۱۰ درصد جمعیت این کشور است که در این بازه زمانی، مبلغ ۶.۶ میلیارد دلار به کشور ارز وارد کرده‌اند که البته این مبلغ ۳۹ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را شامل می‌شود. با ارائه این آمار، کتاب، خارج‌نشینان را منبع بسیار مهمی در اقتصاد و درآمد خانوارها برشمرده و بر این اساس، به بررسی نقش مهاجران در ظرفیت‌سازی در ابعاد مختلف اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌پردازد. مطالعات حاکی از اهمیت خارج‌نشینان در رهایی از فقر و افزایش مصرف و پس‌انداز و از آن مهم‌تر کمک به خلق سرمایه انسانی در حوزه‌های مختلف است. اما این بدان معنا نیست که

این پدیده مبرا از هرگونه نقطه ضعف است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به پدیده بیماری هلندی^۱ و کاهش کارایی بخش کشاورزی بر اثر کمبود نیروی کار اشاره کرد. در ضمن این اتفاق، تجمل‌گرایی را نیز می‌تواند به دنبال داشته باشد. نویسندگان ضمن تحلیل اشکالات این پدیده، معتقدند که سیاست‌گذاران چین کشورهایی باید به دنبال راهبردهایی باشند که ضمن حداقل سازی این نقاط ضعف، بیشترین بهره را در راستای ظرفیت‌سازی ببرند و این مستلزم رفع موانع پیش روی مهاجران قبل از خروج از کشور، امضای توافق نامه‌ی کار با دولت‌های کشورهای مقصد این مهاجران و تضمین رعایت استانداردهای بین‌المللی کار در مورد کارگران مهاجر و تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی خلق مشاغل مهم و ارزشمند است.

آخرین بخش کتاب بر بهبود فضای کسب و کار در کشورهای در حال توسعه متمرکز شده و به‌طور خاص، اولین فصل این بخش، برخی از ابتکارات در ظرفیت‌سازی مالی را بررسی می‌کند که می‌تواند به توسعه پایدار کمک کنند. در این فصل، نویسندگان به این موضوع می‌پردازند که فقدان ظرفیت کافی در زیرساخت‌های مالی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه را حتی از کشورهایی که از نظر منابع طبیعی غنی هستند نیز عقب‌نگه داشته است. در ادامه با استناد به الگوی بیماری هلندی، چنین استدلال می‌کنند که گاه وقف منابع غنی، از تنوع توسعه اقتصادی جلوگیری می‌کند و از آن بدتر، فقدان موسسات موثر مالی و حکمرانی می‌تواند موجب هدر رفت درآمد چین کشورهایی و عدم توسعه زیرساخت‌های عمومی مانند جاده، مدرسه، آب شیرین و برق می‌شود. در توضیح این چالش‌ها و راه رشد پیموده شده توسط کشورهای توسعه یافته، نویسندگان به روابط متقابل میان زیرساخت‌های نظارتی و توسعه اقتصادی متمسک شده و آن را عاملی برجسته برمی‌شمرند.

در نهایت فصل بعدی و در واقع، آخرین فصل، ابتکارت معطوف به کاهش فساد است. در این فصل با بررسی شرایط برخی کشورهای آسیایی طی دهه‌ها اخیر، چنین بیان می‌کنند که در این مدت آسیا نسبت به سایر مناطق جهان رشد سریعی داشته است. از این رو، آسیا را به عنوان نمونه‌ای برای سایر مناطق در حال توسعه سرمشق قرار داده است. با این حال، درک اینکه چرا آسیا چنین رشد اقتصادی را به ثبت رسانده است به زعم نویسندگان آن چنان هم

^۱ معادل Dutch disease phenomena، اصطلاحی اقتصادی دال بر زمانی که بر اثر جهش پولی، عواقبی منفی اتفاق می‌افتد.

۳۵ نقد و ارزیابی کتاب ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه و نوظهور: از تحول ذهنیت تا ترویج کارآفرینی و مشارکت خارج نشینان

ساده نیست. در مقابل آفریقا، با سطح بالایی از فساد روبرو شده است. ادبیات این حوزه مملو از مطالعات تجربی است که تأثیرات مخرب فساد را هم در سرمایه‌گذاری و هم در رشد در سطح کلان نشان می‌دهد. فساد به عنوان یک مشکل جدی، می‌تواند سرعت رشد اقتصادی را کاهش دهد، مانع سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی شده، درآمد مالیاتی و کارآیی در معاملات تجاری را کاهش دهد، و در نهایت میزان بودجه موجود دولت برای ارائه خدمات مهم عمومی را کاهش دهد. نویسندگان با مقایسه آسیا و آفریقا معتقدند درحالی که سطح بالای فساد در کشورهای آسیایی را مانع نتوانسته است مانع رشد اقتصادی آنها شود، در برخی از کشورهای آفریقایی، چنین سطح بالایی از فساد، رشد اقتصادی را به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار داده است و این فصل پایانی معطوف به تبیین چنین تناقضی مبتنی بر تحلیلی عمیق از فساد ناشی از کمبود ظرفیت یا ظرفیت ضعیف در سطوح مختلف نهادی در کشورهای آفریقایی است. در واقع، آنها، این تفاوت را ناشی از ظرفیت‌ها می‌دانند. همچنین این فصل، مجموعه‌ای از ابتکارات و اقدامات برای ظرفیت‌سازی را پیشنهاد می‌کند که می‌تواند به کاهش قابل توجه سطح فساد فعلی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشورهای در حال ظهور و در حال توسعه کمک کند.

۴. نتیجه‌گیری

اگر قرار باشد مهم‌ترین نقطه قوت کتاب را برشمردیم، می‌توان به اتکای بالای آن به مطالعات موردی و بیان تجربیات عینی کشورهای مختلف اشاره کرد. کتاب با نثری روان، به بررسی وضعیت کشورهای در حال توسعه پرداخته و متاثر از مکتب شومپتری، کارآفرینی را نوش-داروی عقب ماندگی این کشورها می‌داند. تجربه عملی مناسب نویسندگان نکته مثبت دیگری است که آن‌ها را از شعارزدگی به دور می‌دارد. کتاب برای مخاطبان عمومی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به‌خوبی قابل فهم بوده و در عین تخصص‌گرایی، ارتباط لازم با مخاطب عام را نیز برقرار کرده است.

در مقابل، اگر قرار باشد مهم‌ترین نقطه ضعف این کتاب بررسی شود، نگاه تقریباً تک بعدی صرفاً اقتصادی و عدم توجه به مسایل مهم فرهنگی و اجتماعی است که هم به خوبی می-

۳۶ نقدنامه اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دو فصلنامه، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ۲۷-۳۶

تواند بسیاری از متناقض‌نماهای موجود را توضیح دهد و هم توجه به آن‌ها باعث می‌شود که بپذیریم، ضرورتاً آنچه برای کشوری مناسب است، برای کشور دیگر مناسبی ندارد. در واقع، فقدان توجه به مسایل فرهنگی و اجتماعی، مهم‌ترین مشکل این کتاب به نظر می‌رسد.

از سویی، نویسندگان، هرچند مساله را به خوبی بیان کرده‌اند، در ارایه راه‌حل عملی دچار کلی‌گویی شده و در نهایت به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران، مشخصاً نمی‌گویند که باید چه کنند. هرچند آن‌ها نیمه بیشتر راه را پیموده‌اند، اما به‌طور صریح و شفاف به خوانند نمی‌گویند که حال برای رفع مشکل کدام مراحل، فرایندها و اقدامات را باید طی کند. در نهایت، با توجه به این که نویسندگان توجه زیاد و اصرار بالایی بر اهمیت نقش خارج نشینان و مهاجران دارند، انتظار می‌رود که از این رهگذر و با توجه به اهمیت بحث اقتصاد دانش بنیان و ارزش افزوده بالای اقتصاد دانشی برای میان‌بر زدن، کمتر به موضوع مهم انتقال دانش پرداخته‌اند. همچنین بحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جذب سرمایه نیز در این کتاب کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

کتاب‌نامه

Chrysostome, Elie (2018). *“Capacity Building in Developing and Emerging Countries: From Mindset Transformation to Promoting Entrepreneurship and Diaspora Involvement”*, Springer, cham.

